

قیام آبان ۹۸

روایت‌هایی از کشته‌شدگان

گفتگو با تنی چند از خانواده‌های کشته‌شدگان قیام آبان ۹۸

مرکز آمار لیگ حقوق بشر زندانیان ایران
(نفس در قفس)
آبان ۱۳۹۹



تقدیم به بازماندگان کشته‌شدگان قیام آبان ۹۸
آنانکه رنجی مضاعف را به دوش می‌کشند!



روایت‌هایی از گذشته شدگان قیام آبان ۹۸

مرکز آمار لیگ حقوق بشر زندانیان ایران
(نفس در قفس)
آبان ۱۳۹۹

فہرست مطالب

- ۵.....مقدمہ
- ۱۰.....حمید رسولی
- ۱۲.....علی سرتیپی
- ۱۳.....آذر میرزا پور
- ۱۵.....مہرداد معین فر
- ۱۶.....وحید دامور
- ۱۸.....علی محمد آقا پور
- ۱۹.....رحیم امینی
- ۲۰.....پژمان قلی پور
- ۲۱.....محمد طاہری
- ۲۲.....احسان عبداللہ نژاد
- ۲۴.....آرشام ابراہیمی
- ۲۵.....نادر مومنی
- ۲۶.....علیرضا انجوی
- ۲۸.....حسین کریمی علویجہ





جمعه ۲۴ آبان ۹۸، روز آغاز برای حوادثی بود که «قیام خونین آبان ۹۸»، «اعتراضات خونین آبان ۹۸»، «روزهای خونین آبان ۹۸» و... نام گرفت. با اعلام رسمی افزایش قیمت بنزین، از روز جمعه ۲۴ آبان ماه تجمعات اعتراضی در شهرهای مختلف کشور آغاز شد. تجمعاتی که که با بکارگیری قهرحکومتی و ادوات جنگی علیه مردم معترض سرکوب «خونین» را رقم زد.

در آستانه سالگرد آن روزهای تلخ و خونین، تا کنون هیچ نهاد رسمی دولتی از تعداد واقعی کشته شدگان، دستگیری‌ها و مفقودین گزارشی ارائه نداده است. با وجود شواهد روشن و مستدل مبنی بر استفاده نیروهای امنیتی از گلوله و تیراندازی مستقیم به مردم بی سلاح، هیچ کدام از عاملین و آمرین آن روزها معرفی و بازخواست و دادگاهی نشده‌اند. بلکه برعکس تلاش‌های حکومت در جهت پاک کردن شواهد و برخورد با شاهدین و از بین بردن اسناد موجود بوده است. با این شرایط این نوع برخوردها را تصمیم کل سیستم جمهوری اسلامی در سرکوب شدید و بی‌رحمانه مردم باید دید و نباید آن را به یک مقام در یک اداره یا سیستم تقلیل داد. تصمیم به «قطع سراسری» اینترنت امری نادر در کل دنیا، شدت برخوردهای قهری حکومت را بیش از پیش برملا می‌سازد.

سازمان بین الملل و نهادهای حقوق بشری باید با استفاده از ابزارهای خود مقامات جمهوری اسلامی را در این خصوص پاسخگو بکنند، امری که تاکنون بعد از گذشت یک سال خاموش مانده است.



اعتراضات خونین آبان ۹۸، روز جمعه ۲۴ آبان ۹۸ با انتشار خبر رسمی گران شدن بنزین در شهرهای اهواز، سیرجان و مشهد آغاز شد. شب ۲۴ آبان یکی از معترضین به ضرب گلوله نیروهای امنیتی کشته شد. هویت این معترض یک روز بعد «روح الله نظرآبادی» احراز شد.

از روز ۲۵ آبان ۹۸، اعتراضات به شهرهای مختلف کشور گسترش پیدا کرد و همزمان مقامات جمهوری اسلامی با بسیج گسترده نیروهای امنیتی اقدام به خشونت کشاندن اعتراضات می کنند. در شهرهای تهران، بهبهان و تبریز تعدادی از معترضین کشته می شود. همزمان با گسترش این اعتراضات و انتشار فیلم ها و عکسهای تظاهرات آنها از شهرهای مختلف حکومت اقدام به ایجاد اخلال در اینترنت سراسری می کند.

در روز ۲۶ آبان ۹۸، تظاهرات کاملاً به شهرهای مختلف رسید و معترضان اقدام به آتش زدن مکانهای دولتی از جمله جایگاههای سوخت و ماشین های نیروی انتظامی می کنند. اخلال در اینترنت بیشتر شده است. خبرها حاکی از بازداشت تعداد زیادی از معترضین و کشته شدن تعدادی در شهرهای مختلف است. فیلم های منتشر شده در فضای مجازی به روشنی استفاده مقامات جمهوری اسلامی از قوه قهریه و گلوله جنگی برای به عقب راندن معترضین را اثبات می کند.

از عصر روز یکشنبه ۲۶ آبان ۹۸ اینترنت به طور کامل در ایران قطع می شود! امری نادر در کل دنیا... مقامات جمهوری اسلامی اقدام به سرکوب خشن و علنی تظاهرات می کنند. اعتراضات ادامه می یابد و خبرهای کشته شدن تعداد زیادی جسته و گریخته درز می کند اما مردم و معترضین در داخل ایران همچنان به مدت سه روز از اینترنت و دنیای آزاد قطع بودند.

کشتار «نیزار ماهشهر» توسط نیروهای امنیتی اتفاق می افتد. که با وجود گذشت

یکسال هنوز از تعداد نفرات کشته شده در آن نيزار اطلاعی در دست نیست. علی دارابی، معاون امور استان‌های صداوسیماي ایران در یادداشتی که روز ۹ آذر در خبرگزاری فارس منتشر شده، نوشته بود که «بیش از ۲۰۰ شهر بزرگ و کوچک کشور» درگیر اعتراض‌ها بوده‌اند.

وی همچنین بدون اشاره به آمار معترضانی که کشته شده‌اند، نوشته است تعداد کشته‌شدگان «قابل ملاحظه» بوده و «نسبت به سایر حوادث کشور از نظر آمار پیشی گرفت».

خبرگزاری رویترز، روز دوم دی ۹۸، نوشت که علی خامنه‌ای که چند روز پس از آغاز اعتراضات آبان «بی‌قرار شده بود»، با جمع کردن مقامات ارشد امنیتی و دولتی خود، دستور داد: «هر کاری که لازم است برای متوقف کردن آن انجام دهید.»

به نوشته رویترز این دستور باعث «خونین‌ترین سرکوب معترضان را از زمان انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹» شد و «در حدود کمتر از دو هفته ناآرامی‌ها که از ۱۵ نوامبر آغاز شد، حدود ۱۵۰۰ نفر کشته شدند».

این اولین اظهار نظر رسانه‌ای در مورد تعداد کشته‌شدگان بود.

در کنار این سرکوب در خیابان‌ها، شکنجه‌ها و بدرفتاری با بازداشت‌شدگان در زندانهای مختلف منتشر شد. چندین فیلم از نحوه بازداشت‌خشن و همراه با ضرب و شتم غیرقانونی معترضان منتشر شد.

در طول ماه‌های گذشته نیز دستگاه قضایی جمهوری اسلامی اقدام به صدور حکم اعدام برای چند نفر از معترضان آبان ۹۸ کرده است. پرونده امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی بود که پس از اعتراض‌های گسترده مردم و بازتاب جهانی این احکام، اجرای آن متوقف شد.

عفو بین‌الملل در آخرین گزارش خود در مورد قیام آبان ۹۸، از ابعاد بسیار وحشتناک شکنجه در زندانها پرده برداشت که بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ با آنها مواجه شده بودند.



با توجه به پرونده باز این جنایت وحشتناک حکومتی «مرکز آمار لیگ حقوق بشر زندانیان ایران» بر آن شد با تکی چند از خانواده کشته‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸ در آستانه سالگرد آنها، گفتگویی داشته باشد تا با تقویت حافظه جمعی کمکی در راستای افشای حقیقت و افشای موارد نقض حقوق بشر توسط مقامات جمهوری اسلامی بکند.

گفتگو با بازماندگان و بستگان کشته‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸ ابعادی از نقض فاحش حقوق بشر را بر ایمان آشکار کرد. امنیتی کردن فضای بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها، و ابداع حکم عدم درمان مراجعین زخمی شده در اعتراضات یکی از موارد ضد انسانی و مغایر با قوانین حقوق بشرو بهداشت جهانی است. در تمامی روزهای اعتراضات پرستاران و پزشکان از درمان مجروحین منع شده بودند و نیروهای امنیتی با حضور در بیمارستان‌ها مانع درمان آنها می‌شدند و همراهان مجروحین را هم بازداشت می‌کردند. تعداد زیادی به دلیل همین دستور به دلیل شدت جراحات کشته شدند.

گزارش‌ها حاکی از آن است که اجساد کشته‌شدگان از بیمارستان‌ها دزدیده شدند. خانواده‌هایی که در روزهای سخت گم شدن فرزندان‌شان به همه مکان‌های موجود سرزده و آواره و سرگردان به دنبال نشانی از عزیزانشان بودند، بعضاً با داشتن آشنا در نیروهای انتظامی و در بین مقامات توانسته بودند از محل فرزندشان اطلاع کسب کنند.

عدم تحویل اجساد کشته‌شدگان، اخذ تعهد و چک سفید امضا یا گرفتن پول بالای دهها میلیون تومان، جلوگیری از برگزاری مراسم خاکسپاری و تشییع جنازه، دفن شبانه اجساد بدون کالبد شکافی و... از جمله موارد روند سرکوب سیستماتیک اعتراضات آبان ۹۸ بود که مقامات جمهوری اسلامی بر شهروندان اعمال کردند.

گفتگو با دهها تن از بستگان و آشنایان کشته‌شدگان آبان ۹۸ تنها به منظور مستند کردن گوشه‌ی بسیار کوچکی از جنایت عظیم صورت گرفته در آبان ۹۸ به منظور قدمی کوچک در راستای دادخواهی و محاکمه عاملین و آمرین کشتار بیرحمانه و فراقضایی جمهوری اسلامی است.





کشته شدگان قیام آبان ۹۸

حمید رسولی ۳۲ ساله مهرشهر (ت)

۲۶ آبان ۹۸ با اصابت
گلوله نیروهای امنیتی
کشته شد



حمید رسولی متولد اردیبهشت ۶۶ بود. او در روز ۲۶ آبان ۹۸ همزمان با اعتراضات سراسری مردم ایران علیه گرانی بنزین، در پل مهرشهر کرج با اصابت دو گلوله ماموران امنیتی به قلب و ریه اش کشته شد.

یکی از نزدیکان حمید در مورد او اینگونه می گوید: «حمید ۳۲ سالش بود و هفت سال بود که ازدواج کرده بود. شغلش رانندگی بود. از ۲۴ آبان مرتب در اعتراضات شرکت می کرد و بین مردم بود تا ۲۶ آبان که با دو گلوله نیروهای امنیتی به قلب و ریه شهید شد. حمید ساعت یک ظهر تیر خورده بود. خانواده او همگی قزوین بودند و وقتی نزد او رسیدند ساعت ۱۵۰۰ بود ولی حمید کشته شده بود. حمید مشکل مالی نداشت. او از بی عدالتی رنج میبرد. طاقت ظلم و فقر رو نداشت. برای همین هم همیشه در اعتراضات شرکت می کرد.»

این آشنای حمید رسولی در مورد ویژگی های انسانی حمید گفت: «پسر مهربان و شوخ طبعی بود. اگر در یک جمع حضور نداشت همه بدون استثنا سراغش را می گرفتند. همه از دست او راضی بودند. در تنظیم رفتار با کودکان مثل خودشان برخورد می کرد و با بزرگسالان نیز تنظیم رفتار متناسب داشت.

او پرچم شیر و خورشید را خیلی دوست داشت. وقتی پستی از ندا آقاسلطان می گذاشت

در جواب اعتراض نزدیکانش که «دل آدم از این صحنه‌ها ریش می‌شود. کمتر از این پستها بگذار» او می‌گفت: «اگر ما این فیلم و عکسها را نگذاریم همه یادشان میرود که اینها برای چه مردندا!» و همیشه می‌گفت: «حکومت ترسش از دانستن ماست!»

خیلی تحت تاثیر ندا آقا سلطان بود و به اطرافیانش هم همیشه نهیب می‌زد که نباید ترسید! او از جمله کسانی بود که در قیام و اعتراضات ۸۸ در همه اعتراضات حضور داشت و شرکت می‌کرد.»

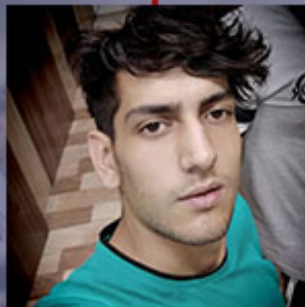
پیکر حمید روز ۲۸ آبان تحویل خانواده شد و او را در شهر الوند استان قزوین محل سکونت پدر و مادرش در شرایط امنیتی دفن کردند.



کشته شدگان قیام آبان ۹۸

علی سرتیپی ۲۲ ساله شهریار

۲۶ آبان ۹۸ با اصابت گلوله
نیروهای امنیتی
کشته شد



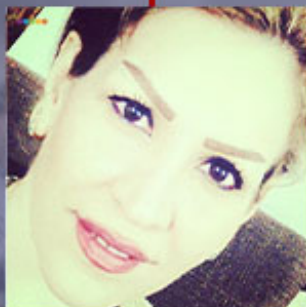
علی سرتیپی متولد ۱۲ بهمن ۱۳۷۶ و ساکن شهریار بود. او کارگر یک کفاشی در شهریار بود. در جریان اعتراضات سراسری مردم علیه گرانی بنزین در آبان ۹۸، علی جزء کسانی بود که در اعتراض به ظلم و ستم موجود در اعتراضات شرکت کرد، اما روز ۲۶ آبان ۹۸ با اصابت گلوله نیروهای امنیتی به شکم‌اش کشته شد. ابتدا او را به بیمارستان تامین اجتماعی شهریار بردند اما به دلیل دستور رسیده مبنی بر عدم مداوا و معالجه مجروحین، علی سرتیپی در بیمارستان جان داد. با اینهمه نیروهای امنیتی اجازه دفن پیکر او را در شهریار نداده و خانواده سرتیپی مجبور شدند پیکر فرزندشان را در تویسرکان استان همدان به خاک بسپارند. علی سرتیپی هنگامی که کشته شد تنها ۲۲ سال سن داشت.



کشته شدگان قیام آبان ۹۸

آذر میرزاپور زهابی ۴۸ ساله گلشهر کرج

۲۵ آبان ۹۸ به هنگام کمک به
یک مجروح توسط نیروی امنیتی
کشته شد



«آذر میرزاپور زهابی، ۴۸ ساله، اهل خرم‌آباد و ساکن گلشهر کرج بود. او به عنوان پرستار و پزشک‌یار در دهکده آبی تهران مشغول به کار بود. آذر سابقه دستگیری دندانی پزشکی و پرستاری خانه سالمندان را نیز داشت. او بسیار مهربان و خونگرم بود.» اینها گفته‌های یکی از آشنایان آذر میرزا پور است.

آذر میرزاپور، مادر و تنها سرپرست چهار فرزند بود. سه دختر و یک پسر. او عاشق کار و فرزندان‌ش بود. روز ۲۵ آبان ۹۸ در جریان اعتراضات گسترده مردم ایران که از گرانی بنزین شروع شد، آذر به هنگام برگشت از سرکار، وقتی به مجروحان تیرخورده از طرف نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی کمک می‌کرد با یک تیر مستقیم به قلبش کشته شد. پیکر او و تمامی وسایل همراهش را به بیمارستان کوثر حصارک انتقال دادند. بعد از اصابت گلوله به قلبش در اثر خونریزی و پارگی نسوج قلبی فوت کرد و پیکر او را به بهشت سکینه کرج منتقل شد.

خانواده در بی‌خبری کامل یک روز کامل، تمام بیمارستان‌ها و کلاتری‌های کرج را برای پیدا کردن و به دست آوردن خبری از آذر جستجو می‌کنند و بلاخره در بیمارستان کوثر حصارک وسایل او را تحویل خانواده داده و اعلام می‌کنند تمامی جنازه‌های کشته‌شدگان

به بی بی سکینه کرج منتقل شده و قرار است که همه به بهشت زهرا منتقل شوند. خانواده برای گرفتن پیکر آذر سه روز در بی بی سکینه منتظر می ماند و بلاخره مسئولین با تهدید و گرفتن پول و برگه سفید امضا به شرطی که بگویند فرزند ما را اشرار کشتند حاضر به تحویل جسد می شوند.

خانواده آذر میرزا پور پیکر او را به زادگاه مادری اش در خرم آباد انتقال داده و همانجا مراسم تشیع جنازه را برگزار می کنند.

او زنی با پشتکار بالا بود. برای تامین مخارج خود و چهارفرزندش و تامین اجاره خانه چند شیفت کار می کرد.

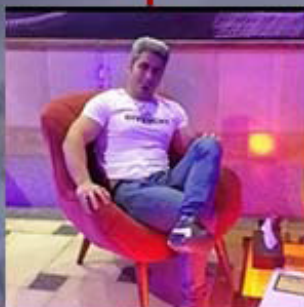
بعد از جانباختن او حقوقش که تنها منبع درآمد فرزندانش بود را قطع کردند و فرزندانش در یکسال گذشته با سختی زیادی مواجه شدند. یکی از نزدیکان آذر در توصیف او می گوید: «او بیش از اندازه مهربان بود و سرشار از زندگی. عاشق کار و بچه هایش بود».



کشته شدنان قیام آبان ۹۸

مهرداد معین فر ۳۲ ساله شهریار

۲۶ آبان ۹۸ با اصابت
گلوله نیروهای امنیتی
کشته شد



مهرداد معین فر متولد ۷ آبان ۱۳۶۶ در همدان بود. تحصیلات خود را در شهریار به اتمام رساند. رشته دانشگاهی او در دانشگاه، شیمی بود. بعد از اتمام تحصیل، در داروخانه به عنوان تکنسین مشغول به کار شده بود.

او دغدغه مردم و جامعه را داشت. مهرداد معین فر ادین کانال تلگرامی به اسم «به نام انسانیت» بود که در آن مطالب اعتراضی علیه وضعیت جامعه و حاکمیت جمهوری اسلامی منتشر می کرد.

روز ۲۶ آبان ۹۸ به قصد شرکت در تظاهرات اعتراضی در شهر شهریار بیرون رفت. از ساعت ۱۴:۳۰ همان روز دوستان و خانواده‌ی مهرداد، او را گم کردند، امکان هیچ تماس تلفنی با او را نداشتند و به گوشی‌اش جواب نمی داد. بعد از پیگیری‌های زیاد و مراجعه به بیمارستان امام سجاد شهریار، طبق اظهارات پرستاران مهرداد را تیرخورده به بیمارستان انتقال داده بودند و مهرداد بر اثر خونریزی زیاد کشته شده بود. اما هیچ مدرکی بر اثبات این اظهارات پرستاران وجود نداشت و برای همین خانواده تمامی کلاتری‌ها و بازداشتگاه‌ها را برای پیدا کردن فرزندشان جستجو کرده بودند. در مراجعه اول به کهریزک، جواب سر بالا دریافت می کنند. اما به مداخله یکی از آشنایان خانوادگی و دادن یک کد برای ارائه به

کهریزک، بلاخره در کهریزک پیکر وی برای شناسایی به خانواده نشان داده می‌شود. در برگه فوت مهرداد معین فرعلت مرگ « پارگی قلب و ریه و شوک ناشی از خونریزی زیاد» درج شده است. طبق گفته یکی از شاهدین بیمارستان امام سجاد شهریار به خانواده این کشته‌شده، بعد از انتقال مهرداد به بیمارستان، پرستاران اقدام به درمان او می‌کنند اما نیروهای امنیتی به بیمارستان یورش می‌برند و دوست مهرداد را که او را به بیمارستان منتقل کرده بود، بازداشت کرده و به پرستاران اجازه هیچ درمانی نمی‌دهند و همین باعث مرگ مهرداد معین فر در عرض ده دقیقه می‌شود.

پیکر مهرداد در فردوسیة شهریار به خاک سپرده شده است.



کشته شدگان قیام آبان ۹۸

وحید دامور ۳۰ ساله محمدشهر (تهران)

۲۶ آبان ۹۸ با اصابت
گلوله نیروهای امنیتی
کشته شد



سه هم محله ای : وحید دامور، علی محمد آقاپور و رحیم امینی
وحید متولد ۲۷ خرداد سال ۶۸ بود. کارخانه قالیشویی داشت. وضع مالی خودش
خوب بود و به قول نزدیکانش مشکلی از نظر مالی در زندگی نداشت اما در زمان اعتراضات
کنار بقیه دوستانش به خیابان رفت.

یکی از نزدیکان او می گوید: «وحید مشکل مالی نداشت و با تلاش خودش برای خود
همه چیز، از جمله خانه و ماشین و مغازه فراهم کرده بود. اما به شدت از گرانی ها و اینکه
مردم در سختی زندگی می کنند رنج می برد.

وحید بسیار اهل شوخی و خنده بود. همیشه هوای افراد ضعیف تر از خودش را داشت.
او پسر تترسی بود و در اعتراضات آبان ۹۸ در صف اول حضور داشت.» این نفر مطلع
در ادامه در مورد نحوه جانباختن وحید توضیح می دهد که:

«در شب ۲۶ آبان ۹۸، به همراه چند نفر از دوستانش و بر روی پایگاه بسیج به دنبال گرفتن
پایگاه با دست خالی مورد اصابت ۲ گلوله قرار گرفت. وحید را به بیمارستان منتقل کردیم
اما در بیمارستان امام حسین در محمدشهر کرج پرستارها و دکترها از معاجه و رسیدگی به
زخمی ها منع شده بودند، دستور داده بودند که کاری نکنند و به گفته دکتر شیفت متاسفانه
وحید در خون خودش خفه شد چون گلوله ها ریه هایش را سوراخ کرده بود.»
پیکر او در بهشت سکینه کرج به خاک سپرده شد.

کشته شدگان قیام آبان ۹۸

علی محمد آقاپور ۵۰ ساله محمدشهر (ت)

۲۵ آبان ۹۸ با اصابت
گلوله نیروهای امنیتی
کشته شد



در محله ای که وحید دامور زندگی می کرد سه نفر در طی اعتراضات کشته شدند. در روز ۲۵ آبان ۹۸، علی محمد آقاپور مقابل پایگاه بسیج به ضرب گلوله از داخل پایگاه کشته شد. آقای آقاپور صاحب اتوشویی در محمدشهر کرج بود. ۵۰ ساله، متاهل و دارای دوفرزند بود. روزی که آقای آقاپور تیر خورد کسی که او را به بیمارستان رساند «وحید دامور» بود که خودش هم یک روز بعد در همان محل به ضرب گلوله نیروهای امنیتی کشته شد. ولی گلوله به قلب آقای آقاپور اصابت کرده بود و او در جا کشته شد. و یک روز بعد هم خود وحید مورد اصابت گلوله جنگی قرار گرفت. علی محمد آقاپور در بهشت سکینه کرج کالبد شکافی شد اما در قبرستان سرحد آباد به خاک سپرده شد.



کشته شدگان قیام آبان ۹۸

محمدشهرزاد

رحیم امینی

۲۶ آبان ۹۸ با اصابت
گلوله نیروهای امنیتی
کشته شد



رحیم امینی مربی بدنسازی بود، در محمدشهر کرج، هنگامی که از باشگاه خارج شده و قصد رفتن به منزلش را داشت مورد اصابت گلوله از ناحیه پا قرار گرفت. اما به دلیل اینکه در درمانگاه پارس کرج بدون درمان رها شد، در اثر خونریزی زیاد کشته شد. رحیم دارای یک پسر خردسال بود. همسر و فرزندش ساکن کانادا هستند ■ ■ ■ و رحیم تصمیم داشت به نزد آنها برود.

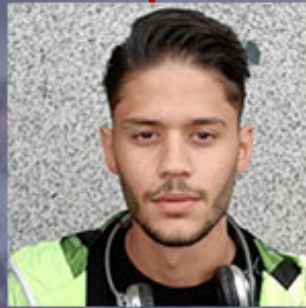
رحیم امینی در پزشک قانونی بهشت سکینه کالبد شکافی شده اما در قبرستان سرحد آباد به خاک سپرده شد



کشته شدگان قیام آبان ۹۸

پژمان قلی‌پور ۱۸ساله شهرک‌اندیشه (بج)

۲۶ آبان ۹۸ با اصابت
گلوله نیروهای امنیتی
کشته شد



پژمان قلی‌پور متولد ۷ شهریور ۱۳۸۰ و اهل لنگرود بود. در جریان اعتراضات مردم ایران علیه گرانی بنزین در آبان ۹۸، با اصابت گلوله نیروهای امنیتی به قلبش در شهرک اندیشه کرج کشته شد.

یکی از نزدیکانش می‌گوید: «پژمان ۱۸ ساله بود. دیلم اش را که گرفت برای خدمت سربازی اقدام کرد. یک ماه تا اعزام به سربازی فرصت داشت و او از این فرصت استفاده می‌کرد و مشغول به کار شده بود.

او عاشق فوتبال بود. طرفدار دو آتشه تیم استقلال! هفته‌ای یکبار باشگاه می‌رفت. سرشار از زندگی بود و پر شر و شور اما او را در تاریخ ۲۷ آبان ۹۸ با شلیک گلوله کشتند.»

پژمان قلی‌پور در شهرک اندیشه کرج به ضرب گلوله نیروهای امنیتی کشته شد اما پیکرش در زادگاهش لنگرود به خاک سپرده شد.



گشته شدگان قیام آبان ۹۸

محمد طاهری ۸ اسله بهارستان (رج)

۲۶ آبان ۹۸ با اصابت گلوله
نیروهای امنیتی
گشته شد



محمد طاهری متولد اول خرداد ۱۳۷۹، دانشجوی رشته مهندسی معماری دانشگاه پرنده بود. در جریان اعتراضات سراسری مردم ایران همزمان با گران شدن قیمت بنزین، روز ۲۶ آبان ۹۸ در شهرستان بهارستان به ضرب گلوله نیروهای مسلح از ناحیه پهلو گشته شد. پیکرش در دار السلام اسلامشهر به آغوش خاک سپرده شد. خانواده محمد طاهری شدیداً تحت فشار نیروهای امنیتی قرار داشتند تا مراسم خاکسپاری

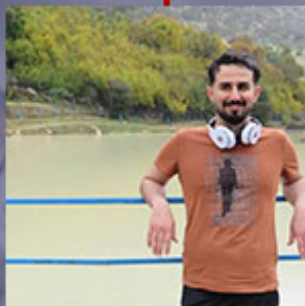
و تشییع عزیزشان را در سکوت برگزار کنند.



کشته شدگان قیام آبان ۹۸

احسان عبدالله نژاد ۲۸ ساله بهبهان

۲۵ آبان ۹۸ با اصابت
گلوله نیروهای امنیتی
کشته شد



احسان عبدالله نژاد متولد ۱۴ مهر ۱۳۷۰ در شهر بهبهان بود. ۲۵ آبان ۱۳۹۸ در جریان اعتراضات سراسری مردم ایران برای گران شدن بنزین در شهر بهبهان از استان خوزستان از طرف نیروهای امنیتی هدف گلوله قرار گرفت و با اصابت گلوله به گلوی او کشته شد. بعد از اصابت گلوله به گلوی احسان، او را به بیمارستان شهیدزاده منتقل می‌کنند و متأسفانه در آنجا به دلیل شدت جراحات و خونریزی جان می‌سپارد.

جوانی پرشور و با قلبی بزرگ. او عاشق بچه‌ها بود مخصوصاً برادر زاده‌هایش. هیچ بچه‌ای نبود که نزدیک او باشد و از بودن با احسان شاد نباشد. او آرایشگر بود و بچه‌های آن منطقه خیلی احسان را دوست داشتند و همیشه برای اصلاح پیش او می‌رفتند. یکی از نزدیکان احسان در مورد او اینگونه می‌گوید «هر چقدر از احسان بگویم کم گفتم. خیلی خوش قلب بود، بچه‌ها را دوست داشت. اگر در جمعی بچه‌ای تنها نشسته بود احسان جمع را رها کرده و سراغ بازی با آن بچه می‌رفت.» دوستانش در مورد او می‌گویند: «احسان امام زمان روی زمین بود. همیشه هوای ما را داشت. احسان روی ما غیرت داشت، بعضی وقتها اتفاق بدی اگر برایمان می‌افتاد به احسان نمی‌گفتم چون می‌دانستیم که او خیلی ناراحت می‌شود.» احسان بزرگ مردی بود که توان دیدن ناراحتی و سختی کسی

را نداشت. برای همه ارزش قائل بود. «یادم هست یک کارگری نزدیک مغازه اش بود برای جارو کردن خیابان و... احسان برای اینکه کمکی به او کرده باشد از او میخواست هر وقت توانست مغازه اش را تمیز کند تا او بتواند به این بهانه به این کارگر کمک کند.»

توصیفات دوستان و آشنایان احسان از ویژگی هایش، تصویر انسانی وارسته و دغدغه مند است. یکی از دوستان احسان بعد از شهادتش اینگونه گفته است: «مردترین مردی که دیدم. احسان وقتی می دید که من مشکل مالی دارم همیشه تلاش می کرد به من کمک کند. یکبار شماره کارت من را به بهانه اینکه میخواهد شیرینی برد تیم پرسپولیس را بدهد از من گرفت و بعد از آن هر ماه یک مبلغی را به کارت من واریز می کرد.»

تمام قلب احسان با مردمش بود. از ناراحتی و سختی آنها در عذاب بود. در یکی از موارد که شاهد درد یک زن زیاله گرد بود برای درددل به یکی از دوستانش در شهر دیگر زنگ می زد. این دوست احسان تعریف کرده است: «وقتی احسان گفت میخواهم با تو درد دل کنم فکر کردم حتما موضوع احساسی و مربوط به خودش است. اما وقتی شروع کرد فهمیدم که موضوع چیز دیگری است. احسان گفت: "امروز یه خانمی را دیدم پنهانی در آشغالها داشت دنبال روزیش می گشت، خیلی اعصابم خورده و زنگ زدم با تو درد دل کنم که چرا این کشور با این همه منابع باید مردمش در فقر باشند؟"»

احسان عبدالله نژاد در بهشت رضوان ■ ■ ■ بهبهان در کنار سایر کشته شدگان آبان

۹۸ دفن شده است.



کشته شدگان قیام آبان ۹۸

آرشام ابراهیمی ۲۱ ساله اصفهان

۲۵ آبان ۹۸ با اصابت
گلوله نیروهای امنیتی
کشته شد



آرشام متولد ۲۰ بهمن ۱۳۷۷ بود. او زمانی که ۲۱ سال داشت در اعتراضات سراسری مردم ایران در آبان ۹۸ در شهر اصفهان با شلیک مستقیم نیروهای امنیتی کشته شد. او در یک شرکت شارژ کپسول‌های آتشنشانی کار می‌کرد. آرشام علاقه زیادی به پزشکی و دندانپزشکی داشت. برای همین تلاش می‌کرد که به هدفش برسد. برای این هدف سه سال پشت کنکور ماند و درس خواند. آرشام بسیار آرام، متین و باوقار بود.

روز ۲۵ آبان ۱۳۹۸ هنگام پایان کار روزانه و در حین بازگشت به منزل بر اثر شلیک مستقیم گلوله، مجروح و در بیمارستان جان باخت. بعد از ۴ روز با پیگیری‌های خانواده، ساعت یک و نیم نصف شب از طرف فرماندار اصفهان به خانواده خبر درگذشت آرشام داده می‌شود. اما پیکر او را به بهشت رضوان برده بودند تا آنجا خاک کنند که با اصرار خانواده و دادن تعهد جسد را به بهشت زینب بابوکان اصفهان انتقال داده و روز ۲۹ آبان ۹۸ پیکر را شبانه با حضور چندین نیروی لباس شخصی خاک کردند. به خانواده آرشام اجازه کالبد شکافی ندادند.



کشته شدگان قیام آبان ۹۸

نادر مومنی ۵۷ساله شهردار

۲۵ آبان ۹۸ با اصابت
گلوله نیروهای امنیتی
کشته شد



نادر مومنی، ۵۷ ساله، استاد کاراته و جزء پیشکسوتان کاراته شهردار بودند.
در آبان ۹۸ همزمان با اعتراضات سراسری مردم ایران علیه گرانی بنزین، ایشان به هنگام
رفتن به سرکار، مقابل در منزلشان به ضرب گلوله نیروهای امنیتی کشته شد.
خانواده آقای مومنی تحت فشارهای نیروهای امنیتی قرار دارند و از هر گونه اطلاع
رسانی در مورد نحوه فوت ایشان منع شده‌اند.



گشته شدگان قیام آبان ۹۸

علیرضا انجوی ۲۷ ساله شیراز

۲۵ آبان ۹۸ با اصابت گلوله
نیروهای امنیتی
گشته شد



علیرضا انجوی متولد ۱۳۷۱/۱۱/۱۱ در شیراز بود. او لیسانس معماری را در دانشگاه زرقان و دانشکده معماری شیراز به اتمام رسانده بود. در روز ۲۵ آبان ۹۸ همزمان با اعتراضات مردم شیراز به گرانی بنزین، از ناحیه سر مورد اصابت گلوله نیروهای امنیتی قرار گرفت گشته شد.

پیکرو بعد از یک هفته به خانواده تحویل داده شد. به دلیل اصابت گلوله به وسط پیشانی، چهره او قابل شناسایی نبود. خانواده اش از روی لباس و مدارک شناسایی همراه وی، توانستند فرزندشان را شناسایی کنند.

علیرضا کار پایان نامه دانشجویی و پروژه های ساختمانی و معماری انجام می داد. مغازه ای که آنجا مشغول کار بود درست مقابل دانشکده معماری در خیابان صدرا قرار داشت. روز ۲۵ آبان ۹۸، مثل تمام روزهای دیگر سر کار بود. بعد از شلوغ شدن خیابان صدرا از ساعت ۱۵:۳۰ تلفنش را دیگر جواب نداده است. همان ساعتی که با شلیک گلوله نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به وسط پیشانیش جانش را از دست داد. خانواده یک هفته در بی خبری مطلق از هر طریقی که می توانستند پیگر پسرشان بودند؛ حتی در یکی از پیگیری ها از نیروی انتظامی و سپاه به خانواده گفته شده بود: «اینها یک

تعدادی هستند که بازجویی می‌شوند یک هفته دیگر بر میگردند خانه!» اما تا روز ۲ آذر خبری از علیرضا نبود. روز ۲ آذر از گوشی خود علیرضا با مادرش تماس گرفته شده و به آگاهی شماره ۸ شیراز احضار می‌شود. ابتدا از او در مورد پسرش بازجویی می‌کنند و بعد گفته می‌شود که به پزشک قانونی نزد « سرهنگ حیدری» برای شناسایی جسد باید برود! مادر علیرضا چون تنها بود همان لحظه برای شناسایی نمی‌رود، روز بعد یعنی در ۳ آذر ۹۸ پیکر علیرضا در پزشک قانونی شیراز، با وجود از بین رفتن کامل چهره توسط اعضای خانواده شناسایی می‌شود.

خانواده انجوی فرزندشان را در شیراز، دینکان گلزار شهدا انتهای آرامگاه در شرایط امنیتی به خاک می‌سپارند.



کشته شدگان قیام آبان ۹۸

حسین کریمی علویجه ۵۰ساله ملککشهر

۲۷ آبان ۹۸ با اصابت گلوله
نیروهای امنیتی
کشته شد



حسین کریمی متولد ۲۰ شهریور ۱۳۴۱ دارای دو فرزند پسر بود. روز ۲۷ آبان ۹۸ همزمان با اعتراضات سراسری مردم ایران در شهر اصفهان هنگامی که با پسرش از محل کار به خانه برمی گشت مورد اصابت گلوله نیروهای امنیتی قرار گرفت. فرزند او نیز که همراهش بود مجروح شد. هردو آنها همزمان به بیمارستان منتقل شدند اما حسین کریمی کشته شده بود و فرزندش بعد از ۲۰ روز، از بیمارستان مرخص شده و به خانه برگشت. شغل حسین تاسیساتی بود. او در شغلش خیلی مهارت داشت به طوری که در ملک شهر اصفهان همه او را می شناختند. بسیار مهربان و مردمی بود. نیروهای امنیتی خانواده را شدیداً تحت فشار قرار دادند تا از نحوه کشته شدن عزیزشان اطلاع رسانی نکنند. پیکر او را بعد از ۵ روز به خانواده اش تحویل داده شد. نزدیکان وی می گویند حسین بسیار مهربان و دلسوز بود و هر جا او حضور داشت خیال همه راحت بود که کارها به درستی انجام می شود. پیکر او در ملکشهر اصفهان به خاک سپرده شده است.







<https://bciran.org>

